

ضرب المثلهای فارسی و معادل‌های انگلیسی آنها

گردآورنده: مهندس احمد هرمزی

سحر خیز باش تا کامروا باشی.

9. The early bird catches the worm.

پرنده‌ای که زود از لانه بیرون رود کرم پیدامی کند (برای خوردن).

توضیح: صبح زود از خواب بیدار شو تا در زندگی سعادتمند شوی. انسانی که سحرخیز است مانند پرنده‌ای که صبح زود لانه‌اش را برای یافتن غذا ترک می‌کند، زودتر به دنبال رزق و روزی خویش می‌رود و بر دیگران تقدم دارد.

سگ زرد برادر شغال است.

10. One is as bad as the other.

این یکی به بدی آن دیگری است.

توضیح: این با آن فرق نمی‌کند. هر دو بد هستند.

سرمشق بودن بهتر از امر ونهی کردن است.

11. Example is better than precept.

به همان معنا در زبان فارسی.

توضیح: بجای آنکه دیگران را از انجام کارهای بد نهی کنی خودت از انجام این کارها پرهیز کن تا الگوی دیگران باشی. همچنین مراجعه کنید به ضرب‌المثل: دوصد گفته چونیم کردار نیست.

سیلی نقد به از حلوی نسیه.

12. A bird in hand is worth two in the bush.

ارزش یک مرغ نقد به اندازه دو مرغ در بیشه است.

توضیح: چیز نقد هر چند دردآور باشد بهتر از حواله دادن به نسیه است هر چند شیرین باشد چون درحالت اول بالاخره چیزی نصیب آدم می‌شود ولی درحالت دوم چیزی بدست نیامده است.

شاهانه آخرش خوش است.

13. He laughs best, who laughs last.

کسی که آخر از همه می‌خندد، بهتر از همه می‌خندد.

توضیح: زمانی بکار برده می‌شود که بخواهند کسی را نسبت به عاقبت کار خودش هشدار بدهند.

این ضرب‌المثل حالت طعنه آمیز دارد و بسیار شبیه به ضرب‌المثل: «جوجه‌ها را آخر پاییز می‌شمارند» می‌باشد.

صلاح مملکت خویش خسروان دانند. همچنین: هرکسی مصلحت خویش نکومیداند.

14. The wearer knows where the shoe pinches.

آنکه کفش به پا دارد می‌داند کجای کفشش تنگ است.

توضیح: هر کس در زندگی خویش بهتر از دیگران می‌داند که صلاح کارش چیست و چگونه باید زندگی کند.

طبل تو خالی سروصدای فراوان دارد.

15. Empty vessels make the most noise.

ظروف خالی بیشترین سروصدا را دارند.

توضیح: آنکه کمتر می‌داند بیشتر حرف می‌زند و ادعا می‌کند.

دوست آن باشد که گیرد دست دوست
در پریشان حالی و درماندگی

5. A friend in need is a friend indeed.

دوست زمان احتیاج، واقعاً دوست است.

توضیح: دوست واقعی کسی است که در زمان احتیاج به انسان کمک کند.

دوصد گفته چونیم کردار نیست. همچنین: به عمل کار برآید به سخن دانی نیست.

6. Actions speak louder than words.

صدای اعمال رساتر از کلمات است.

توضیح: اعمال انسان بیش از سخنانش نافذ است. عمل انسان بیش از نصیحت‌های او بر دیگران تأثیر مثبت دارد.

زیره به کرمان می‌بری؟

7. You are carrying coals to newcastle.

داری زغال سنگ به نیوکاسل می‌بری؟

توضیح: نیوکاسل ناحیه‌ای است در انگلستان که بزرگترین معادن زغال سنگ آن کشور در آنجا قرار دارند و زغال سنگ در نیوکاسل حکم زیره در کرمان را دارد. این ضرب‌المثل کنایه از آنست که کسی می‌خواهد چیزی را که در جایی بوفور یافت شده و شهرت آن ناحیه به داشتن همان کالا است از جای دیگر به آن محل ببرد. مثل اینکه کسی بخواهد چای را از کشور دیگری به هندوسریلاتکا ببرد.

زبان در دهان خردمند چیست؟

کلید در گنج صاحب هنر

8. A still tongue makes a wise head.

زبان آرام سراقط سازد.

توضیح: زبان در دهان انسان عاقل و با هوش چون کلیدی است در گنج هنرمند که می‌داند چه وقت و چگونه از آن استفاده کند. کنایه از آن است که آدم با خرد در زمان ضرورت و بصورت مناسب سخن می‌گوید.

بخش نخست ضرب‌المثلهای فارسی و معادل‌های انگلیسی آنها در شماره قبیل به چاپ رسید. از آنجا که کثرت مطالب اجازه چاپ تمامی آن را در یک شماره نمی‌داد، بخش دوم آن در این شماره تقدیم خوانندگان می‌گردد.

دنبال شرنگرد. همچنین: پاروی دم مار مگذار و یا: بادم شیر بازی نکن.

1. Let sleeping dogs lie.

بگذار سگ‌های خفته آرام باشند.

توضیح: کاری نکن که درمسی پیش بیاید و دعوی‌ی درست شود.

در ناامیدی بسی امید است

پایان شب سیه سپید است

2. Every cloud has a silver lining.

هر ابری دارای یک پوشش نقره‌ای است.

توضیح: در عین ناامیدی، امیدهای فراوانی وجود دارد همانگونه که در پایان شب سیاه، سپیده روز سبز میزند.

دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است.

3. Better late than never.

به همان معنا در زبان فارسی.

توضیح: نصیحتی است برای رانندگانی که بدون احتیاط و با سرعت زیاد می‌رانند.

در اثر صبر نوبت ظفر آید. همچنین: صبر تلخ است ولیکن بر شیرین دارد.

4. All things come to him who waits.

همه چیز برای کسی است که صبر داشته باشد.

توضیح: انسانی که در زندگی صبر را پیشه کند پیروزی نصیب او خواهد شد اگر چه ممکن است بردباری و مقاومت در برابر مشکلات سخت باشد ولی نتیجه آن مثبت خواهد بود.

27. There are wheels within wheels.

توی این چرخها، چرخ هست.

توضیح: گویا در پس قضیه اصلی، خیرهایی هست که شخص یا اشخاص درگیر از آن بی اطلاعند.

کاسه ای زیر نیم کاسه هست. همچنین: یک خبری هست.

28. There is some thing in the wind.

یک چیزی در باد هست.

توضیح: گویا در پس قضیه اصلی، خیرهایی هست که شخص یا اشخاص درگیر از آن بی اطلاعند.

کار حضرت فیل است.

29. It takes a lot of doing.

کار زیادی می برد.

توضیح: اشاره به کار سختی است که انجام آن برای انسان تقریباً محال است و یا بسیار مشکل می نماید.

کار حضرت فیل است.

30. It is a herculean task.

از عهده هر کول بر می آید.

توضیح: اشاره به کار سختی است که انجام آن برای انسان تقریباً محال است و یا بسیار مشکل می نماید.

کار حضرت فیل است.

31. It is an elephantine task.

از عهده فیل بر می آید.

توضیح: اشاره به کار سختی است که انجام آن برای انسان تقریباً محال است و یا بسیار مشکل می نماید.

کار نیکو کردن از پر کردن است.

32. Practice makes perfect.

ممارست کار را بی عیب می کند.

توضیح: در اثر تمرین و ممارست می توان کیفیت کالاها را بالا برد.

کار امروز را به فردا واگذار مکن.

33. Never put off till tomorrow what you can do today.

به همان معنا در زبان فارسی.

توضیح: کاری را که می توانی امروز انجام دهی به عهده تعویق مینداز و فرصت را از دست مده.

کسبوتر با کسبوتر با باز

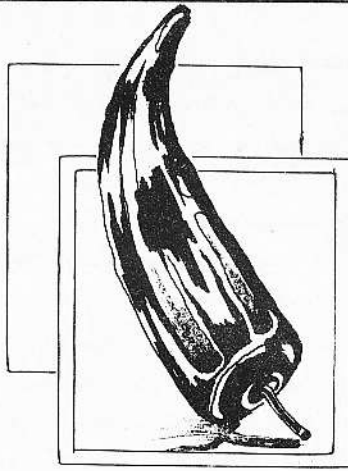
کند هم جنس با هم جنس پرواز.

34. Birds of a feather flock together.

پرنده گانی که یک جور پر دارند گرد هم می آیند.

توضیح: در مورد افرادی بکار می رود که با داشتن نقاط مشترک و وجوه تشابه بین خودشان گرد هم می آیند و با هم حشرونشر دارند.

کنایه از آن است که این گروهها از ارتباط با افراد غیر خودی اجتناب می ورزند.



زیبایی در چشم بیننده است.

توضیح: کنایه از آن است که هر کس باید خودش درباره چیزی که می خواهد تصمیم بگیرد و از آن خوشش بیاید ولو دیگران آترا دوست نداشته باشند. این ضرب المثل بخصوص در مورد رفع اختلاف عقیده زن و شوهر با نظرات خانواده شان بکار برده می شود.

عقل سالم در بدن سالم است.

22. A sound mind in a sound body.

به همان معنا در زبان فارسی.

توضیح: این ضرب المثل در تمجید از ورزش است.

فلفل نبین چه ریزه بشکن بین چه تیزه.

23. Little fellows are often great wits.

آدمهای کوچولو از هوش زیادی برخوردارند.

توضیح: به ظاهر کوچکش نگاه نکن، کار زیادی از او بر می آید، باطنش بیش از آن چیزی است که ظاهرش نشان می دهد.

قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.

24. Many a little makes a mickle.

از تعداد زیادی اجزاء کم مقدار بسیار زیادی جمع خواهد شد.

توضیح: این ضرب المثل در تمجید از دوراندیشی اقتصادی و پس انداز مالی در زندگی است.

قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.

25. Take care of the pennies and the pounds take care of themselves.

مواظب پنی ها باش لیره ها مواظب خودشان هستند.

توضیح: این ضرب المثل در تمجید از دوراندیشی اقتصادی و پس انداز مالی در زندگی است.

کاسه از آش داغ تر و یا اینکه: دایه مهربانتر از مادر.

26. More catholic than the pope.

کاتولیک تر از پاپ.

توضیح: در مورد کسی بکار می رود که در موضوع معینی بیش از آنچه که به او مربوط می شود دخالت کرده و یا دلسوزی می کند.

کاسه ای زیر نیم کاسه است.

عقلش پاره سنگ بر می دارد.

16. He has a screw loose.

یک جای کارش خراب است.

توضیح: نادان است و نمی فهمد. عقل درست و حسابی ندارد، خُل است.

عقل مردم به چشمانشان است.

17. People tend to judge by appearances.

مردم مایلند از روی ظواهر قضاوت کنند.

توضیح: مردم بیشتر از روی ظاهر اشیاء و پدیده ها قضاوت می کنند تا باطن و ذات آنها، این ضرب المثل کنایه از ساده اندیشی و ظاهرنگری است.

عجله کار شیطان است.

18. The more haste, the less speed.

عجله بیشتر، سرعت کمتر.

توضیح: این ضرب المثل در نکوهش و مذمت تعجیل در کارهاست. کارها را باید با آرامش و اطمینان خاطر به انجام رساند.

علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.

19. An ounce of precaution is worth a pound of cure.

یک اونس پیشگیری به اندازه یک پوند علاج ارزش دارد.

توضیح: پیشگیری بیش از درمان ارزش دارد، باید قبل از وقوع هر پیشامدی با تمهیدات لازم از آن جلوگیری بعمل آید. این ضرب المثل بر ارزش دوراندیشی دلالت دارد.

علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.

20. Prevention is better than cure.

پیشگیری بهتر از درمان است.

توضیح: پیشگیری بیش از درمان ارزش دارد باید قبل از وقوع هر پیشامدی با تمهیدات لازم از آن جلوگیری بعمل آید. این ضرب المثل بر ارزش دوراندیشی دلالت دارد.

علف به دهان بز شیرین می آید. همچنین: لیلی را به چشم مجنون باید دید.

21. Beauty is in the eye of the beholder.



هر گلی بزنی به سرخودت زدی.

49. It will be a feather in your cap.

پری بر کلاه خودت خواهد بود.

توضیح: هر اقدام مثبت و مناسبی که در این مورد بنماید برای

خودت هم منفعت خواهد داشت و باید این کار را از آن خود هم بدانی.

هر گلی زدی به سرخودت زدی. همچنین:

آنچه کنی بخود کنی

گر همه نیک و بد کنی

50. As you make your bed, so you must lie on it.

هر جور هم رختخوابت را درست کنی، بالاخره خودت باید روی آن بخوابی.

توضیح: هر اقدام مثبت و مناسبی که در این مورد بنماید برای

خودت هم منفعت خواهد داشت و باید این کار را از آن خود هم بدانی.

هر که شمشیر زند خطبه به نامش خوانند.

51. Fortune favours the brave.

بخت و اقبال با آدم شجاع است.

توضیح: شجاعت مایه قدرت و حاکمیت بر مردم است. خواندن

خطبه کتابه از آن است که آدم شجاع خلیفه و حاکم خواهد بود.

هر چه کاشی درو می کنی. همچنین:

از مکافات عمل غافل مشو

گندم از گندم بروید جو زجو

52. As you sowed, so shall you reap.

به همان معنا در زبان فارسی.

توضیح: هر کسی نتیجه عمل خودش را می بیند، آنچنانکه هر چه از زمین می روید نشان از دانه ای است که در زمین کاشته شده بوده است.

یک دست صدا ندارد.

53. Two heads are better than one.

دو نفر بهتر از یکی است.

توضیح: یک نفر کار به جایی نمی برد بلکه باید در کارها به هم کمک کرد.

یک بزگر گله را گرمی کند.

54. One scabbed sheep can mar a whole flock.

به همان معنا در زبان فارسی.

توضیح: وجود یک آدم بد در میان یک جمع باعث سربایت بدی او به دیگران و بدنامی آن جمع می شود.

دنیا جای عبرت است.

55. Live and learn.

زندگی کن و یاد بگیر.

توضیح: باید از زندگی در دنیا بند گرفت حوادث دنیا مایه عبرت انسانهاست.

توضیح: زمانی که انسان تجربه تلخی از گذشته دارد سعی

می کند از تکرار آن حادثه یا حوادث مشابه که همه دارای سرنوشت مشابهی هستند جلوگیری بعمل آورد. برای یادآوری چنین موضوعی از ضرب المثل فوق استفاده می شود.

ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است. همچنین:

هر جا جلوسر را بگیری منفعت است.

42. It is never too late to mend.

هرگز برای جبران کردن خیلی دیر نیست.

توضیح: هیچ وقت برای انجام کاری دیر نیست (ترجیحاً کار خیر منظور است). مثلاً در مورد سوادآموزی برای اشخاص بیسواد بخوبی می توان از آن استفاده کرد همچنین: هر جا جلوی ضرر را سد کنی سودخواهی برد چون از ضررهای بعدی جلوگیری شده است.

مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد.

43. Nothing venture, nothing have.

کسی که خطر نکند چیزی بدست نخواهد آورد.

توضیح: تنها کسی که کار کند و شهامت خطر کردن را داشته باشد شایستهٔ مزد و پاداش است.

نابرده رنج گنج میسر نمی شود.

44. No gains without pains.

بدون رنج چیزی بدست نمی آید.

توضیح: تا زحمت نکشی و رنج کار کردن را تحمل نکنی هرگز به چیز گرانبهایی نخواهی رسید.

نمی شود هم خدا را بخواهی هم خرما را.

45. You cannot eat your cake and have it.

نمی توانی هم کیکت را بخوری و هم آنرا داشته باشی.

توضیح: هنگامیکه قرار باشد کسی از بین دو انتخاب یکی را برگزیند ولی او هر دو را انتخاب می کند. این ضرب المثل راه او می گویند. **پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**

وقت طلا است.

46. Time is gold.

به همان معنا در زبان فارسی.

توضیح: وقت بسیار با ارزش است. همانگونه که طلا با ارزش ترین متاع مادی است.

واعظ غیر معظ مباش.

47. Practice what you preach.

به آنچه وعظ می کنی خودت عمل کن.

توضیح: فقط پندواندرز مده درحالیکه خودت به آنها عمل نمی کنی.

هرگردی گردو نیست.

48. All that glitters is not gold.

هر چه درخشند طلا نباشد.

توضیح: دو چیز که ظاهر یکسان دارند الزماً در باطن و ماهیت خود شبیه هم نیستند. پس از ظواهر نباید قضاوت کرد.

کبوتر با کبوتر باز با باز

کند همجنس با همجنس پرواز

35. Like likes like.

همجنس، همجنس را دوست دارد.

توضیح: در مورد افرادی بکاری می رود که با داشتن نقاط مشترک و وجه تشابه بین خودشان، گردهم می آیند و با هم حشرونشر دارند. کنایه از آن است که این گروهها از ارتباط با افراد غیرخودی اجتناب می ورزند.

کاجی به از هیچی. همچنین: یک لنگه کفش توی بیابان نعمت است.

36. Half a loaf is better than no bread.

نصف قرص نان بهتر از هیچ است.

توضیح: اگر چه کم است ولی بهر حال بهتر از هیچ که هست. اگر چه نصف قرص نان آدم را سیر نمی کند ولی بهتر از آنست که آدم اصلاً نان گیرش نیاید.

کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من.

37. A man's best friends are his ten fingers.

بهترین دوستان آدم ده انگشت دست او هستند.

توضیح: هیچکس برای انسان کاری انجام نمی دهد بلکه آدم باید خودش به فکر انجام کارهای خویش باشد. این ضرب المثل بر استقلال و عدم وابستگی به دیگران دلالت می کند.

گریه دستش به گوشت نمی رسد گفت گندیده است.

38. The grapes are sour.

انگورها ترش اند.

توضیح: کسی که دستش به چیزی نمی رسد از آن ایراد می گیرد چون می داند که نمی تواند آنرا بدست بیاورد.

گزنکرده پاره مکن. همچنین: اول اندیشه وانگهی گفتار.

39. Look before you leap.

قبل از آنکه پری خوب دقت (نگاه) کن.

توضیح: تا فکر نکرده ای حرفی نزن. اول ارزیابی بعد اقدام. بیهوده دل به دریا نزن.

مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد.

40. A burnt child dreads fire.

بچه ای که یکبار سوخته از آتش می ترسد.

توضیح: زمانی که انسان تجربه تلخی از گذشته دارد سعی می کند از تکرار آن حادثه یا حوادث مشابه که همه دارای سرنوشت مشابهی هستند جلوگیری بعمل آورد. برای یادآوری چنین موضوعی از ضرب المثل فوق استفاده می شود.

مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد.

41. Once bit, twice shy.

کسی که یکبار گزیده شده دوباره درمی رود.